

یادداشت

نقطه عطف منحنی‌هایی که باید سر به راه شوند

ارغوان فرزند معتمد، تحلیل‌گر پولی و بانکی

سه‌شنبه‌مورخ ۲۳ بهمن ۹۷، یادداشتی از علی ربیعی در روزنامه‌همشهری با عنوان منحنی‌هایی که سر به راه نمی‌شوند به چاپ رسیده بود. در این یادداشت، ربیعی به تحلیل دلایل نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی پرداخته و دلیل اصلی این نابرابری رانداشتن دانش لازم و کافی برای سیاست‌گذاری نابرابری عنوان کرده‌اند که طی ۶۰ سال مانع از سر به راه شدن منحنی‌های اقتصادی شده‌اندایشان از مفاهیم رشد فراگیر و اشتغال فراگیر سخن به میان آوردند که به راستی سخن از آن همواره در کشور با نقد همراه بوده و به حق باید گفت وی به عنوان یک سیاستگذار در دوران وزارت به خوبی در شکستن تابوی یکه‌تازی مفهوم رشد کلاسیک به عنوان تنهاره‌نجات اقتصاد در اذهان لایه حاکمیت و لایه‌های پایین تر نقش آفرینی کردند اما هنوز تا رسیدن به آرمان‌های عدالت اقتصادی راه طولانی در پیش است چه آنکه هنوز باور و اعتقادی به تاثیر رشد فراگیر و بانکداری از جنس فراگیر در کاهش نابرابری و رونق اقتصادی وجود ندارد. در بخشی از یادداشت وی، به بر خوردار نبودن سهم عمده‌ای از گروه‌های مردم از خدمات تامین مالی اشاره شده و اینکه هنوز در ایران اجماعی بر ساماندهی تامین مالی خرد وجود ندارد. به عنوان یک تحلیل‌گر اقتصادی در حوزه‌های توسعه و پولی و بانکی، بر این باورم که کارکرد پول و سیستم‌های تامین مالی در توسعه یافتگی کشورها و در دستیابی به اقتصادی بر محور عدالت همچون شمشیری دولبه است. به عبارتی پول و کارکردهای آن در سیستم‌های تامین مالی و فرایندهای توسعه دارای ظرفت‌ها و پوچیدگی‌هایی است که هم می‌تواند اقتصادی با اختلاف طبقاتی شدید و همواره با شاخص‌های ناکارآمد اقتصادی را رقم زند و هم می‌تواند منجر به رفاه اقتصادی برای عموم جامعه و کاهش نابرابری‌های اقتصادی شود. مهم این است که دانش و آرمان در به کارگیری پول و سیستم‌های پولی و مالی توانان به کار گرفته شود. اگر آرمان دستیابی به عدالت اقتصادی باشد، اما دانش لازم در مورد مفهوم پول، سیستم‌های تامین مالی و انواع کارکردهای پول و سیستم‌های تامین مالی در دستیابی به عدالت اقتصادی وجود نداشته باشد، دستیابی به آرمان ممکن نیست و اگر دانش مزبور وجود داشته باشد، لیکن از آرمان، دستیابی به عدالت اقتصادی نباشد، بی‌شک کارکرد عادلانه سیستم‌های پولی و مالی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت و بدترین حالت آن است که نه آرمانی باشد و نه دانش. آنچه در نوشتار وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این خصوص به تخریر در آمده، به ظرافت از خلادانشی سخن به میان می‌آورد که آرمان‌ها را تحت تاثیر قرار داده و منجر شده منحنی‌های اقتصادی سر به راه عدالت نبرند، خلایی که شاید کمتر کسی جسارت بیان وجودش را داشته است. به گمانم تازمانی که این پذیرش در لایه حاکمیت اتفاق نیفتد، رسیدن به نقطه عطف این منحنی‌ها ممکن نخواهد بود. به عبارتی پذیرش خلادانشی مربوط به کارکردهای توسعه‌ای پول و سیستم‌های تامین مالی در لایه‌های حاکمیتی نظام تامین مالی سبب شده تا باور جدی به اثر بخشی سیاستگذاری‌ها در این حوزه در رفع مشکلات نظیر بیکاری، فقر، کود و تورم وجود نداشته باشد و همچنان در پی راه‌حل‌های پرهزینه نظام سرمایه‌داری در دستیابی به توسعه اقتصادی باشیم که ما را به آرمان‌های عدالت‌محور نرسانده و نخواهد رساند. تجربه دنیا نشان داده که حتی اقتصادهای بزرگ و کشورهایی که بیش از سایر کشورها طعم اقتصاد سرمایه‌داری را چشیده‌اند نیز در طول زمان به این نتیجه رسیده‌اند که چاره‌ای جز حرکت به سمت اقتصاد خوب و بانکداری اخلاقی محور در دستیابی به عدالت اقتصادی وجود ندارد. چنین بوده که در کشورهای مختلف ام از توسعه نیافته، در حال توسعه و توسعه یافته حرکت به سمت روش‌هایی از تامین مالی و بانکداری که در برگیرنده منافع برای سهم بیشتری از افراد و به ویژه افراد فقیر باشد، شکل گرفته و در حال پیشرفت است. از همه مهمتر اینکه آنچه در متدلوژی‌های جدید بانکداری با عناوینی نظیر تامین مالی خرد، بانکداری اجتماعی، بانکداری اخلاقی، بانکداری مبتنی بر جوامع محلی، بانکداری و تامین مالی فراگیر و کارکردهای پول در توسعه اقتصادی عنوان شده که شاید یکی از بزرگ‌ترین تئورسین‌های چنین رویکردهایی در اقتصاد، جان مینارد کینز است. در فحوا ی نظام بانکداری و تامین مالی کشور در قالب بانکداری اسلامی به صورت نهفته وجود دارد و صد افسوس که خلا اشاره شده در یادداشت وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نظام بانکی کشور وجود داشته و از تئوری‌های بانکداری در این حوزه که مورد توجه جدی اقتصادهای پیشرفته نیز قرار گرفته، غفلت شده است.

ظریفه به خاطر نداشتن ۱۵ میلیون تومان گروگان بیمارستان است

روایت آنها که قاچاقی زنده‌اند



نسرین هزاره مقدم

نامش ظریفه است، سال هاست

در ایران زندگی می‌کند و تا دلت بخواهد قوی ست؛ قوی از آن نظر که سال هاست بار زندگی را بر دوش می‌کشد. بار زندگی را به تنهایی بر دوش می‌کشد. همسرش بیمار و خانه‌نشین است و ظریفه، کوچه به کوچه و محله به محله می‌رود، خانه‌های مردم را نظافت می‌کند و نان درمی‌آورد.

ظریفه نه بیمه دارد و نه از خدمات حمایتی و درمانی مناسب بهره‌مند است. خودش بارها می‌گوید ما کارگران بی‌هویت و بدون پشتوانه، قاچاقی زنده‌ایم، همین که لقمه نانی به دست می‌آوریم و شب سر بر بالین می‌گذاریم باز هم خدا را شکر! اما روز هاست که ظریفه نه کار می‌کند و نه شب در خانه محقر و کوچک سر بر بالین می‌گذارد. او در یک بیمارستان بستری است. چند روز پیش از این ایست قلبی کرد. خانواده‌اش سراسیمه او را به بیمارستان رساندند. تشخیص پزشکان، عمل قلب باز بود که انجام شد اما حالا بیمارستان دولتی ۱۵ میلیون تومان پول طلب می‌کند برای هزینه‌های عمل و نگهداری و درمان و...

گزارش

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

دستمزد کارگران معقول افزایش یابد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت:

سهم دستمزد در تولید صنعتی کشور ۷۰۹ درصد است. این عدد خیلی ناچیز است و لازم است دستمزد کارگران به صورت معقولی افزایش پیدا کند.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمد شریعتمداری در دیدار با دبیران اجرایی خانه کارگر سراسر کشور گفت: خانه کارگر یک تشکّل صنفی است و عمده بار و زحمت سازماندهی جامعه کارگری کشور به عهده این تشکّل بوده است. وی افزود: یادمان هست که چهره‌های خانه کارگر در ابتدای انقلاب در شکل‌گیری و استواری انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند.

وی افزود: با جامعه کارگری مدت‌ها در ارتباط بودم و با مجموعه‌های صنفی نیز ارتباط نزدیک داشتم. شریعتمداری با تأکید بر اینکه دولت حساسیت‌های زیادی بر سر بحث دستمزد

تا پول را نبردازید، حق ترخیص بیمار را ندارید!

خانواده ظریفه که سرجمع در این همه سال، حتی ماهی یک میلیون تومان هم درآمد نداشته‌اند، ندارند که ۱۵ میلیون تومان ببردازند. نصف این مبلغ را هم ندارند اما بیمارستان می‌گوید تا پول را نپردازید، حق ترخیص بیمار را ندارید. مددکاری بیمارستان هم چندان کمکی به ظریفه و خانواده‌اش نکرده است. حالا تلفن پشت تلفن که ببایید و ظریفه‌تان را ببرید خانه و خانواده هم درمانده است که چه باید بکنند. از همه رنجناک‌تر، ناتوانی فرزندی‌ست که نمی‌تواند با گل و لبخند برود بیمارستان و مادر را بیاورد خانه، نمی‌تواند چون ندارد....

اما قصه رنج‌های مدام ظریفه با ایست قلبی و بیمارستان دولتی و صورتحساب ۱۵ میلیونی شروع نمی‌شود. سال گذشته یکی از پسرهایش که اختلال حواس داشت از خانه زد بیرون و دیگر برنگشت. مادر به هر دری می‌زد برای پیدا کردن پسرش که ناگهان در یک ظهر گرم و داغ، یک موتوری از خدا بیخبر به پسر دیگرش که ۱۸ ساله است زد و فرار کرد. بیمارستان هم

وقتی فهمید این خانواده پولی در بساط ندارند، پای پلاتین گذاشته را در شب پنجم از بیمارستان مرخص کردند. بعد از مدتی، زخم پا سیاه شد و با تب شدید به همان بیمارستان مراجعه کردند که پذیرش نکردند. به بیمارستان دیگری بردند که به دلیل سیاه شدن زخم و عفونت شدید، سه تا از انگشتانش پایش را بریدند. بعد از معالجه نصفه نیمه ۱۲ میلیون برایش بردند و چون پول نداشت ۲۰ روز نگهش داشتند و در نهایت با کمک خیرین را پیدا کردن یک واسطه در وزارت بهداشت و نامه‌نگاری، توانستند پسر را ترخیص کنند و به خانه بازگردانند.

در نهایت، حمید با پرداخت



خانواده ظریفه که سرجمع

در این همه سال، حتی ماهی یک میلیون تومان هم درآمد نداشته‌اند، ندارند که ۱۵ میلیون تومان ببردازند. نصف این مبلغ را هم ندارند اما بیمارستان می‌گوید تا پول را نپردازید، حق ترخیص بیمار را ندارید

مبلغ کمتری از گروی بیمارستان خارج شد. بعد از مدتی استخوان پایش در محل جراحی بیرون زد و تا همین سه هفته قبل که با کمک مدیر «خانه کودک بهنام» بالاخره درمان قطعی پایش انجام شد، رنج

می‌کشید. هم حمید به خاطر پایش رنج می‌کشید و هم ظریفه به خاطر درد فرزندش.

هر شب مانند در بیمارستان مساوی ست با هزینه بیشتر

این همه غصه و درد به اینجا کشیده، به ایست قلبی و بیمارستان تا امروز صورتحساب ظریفه ۱۵ میلیون تومان است و مشخص نیست اگر حمید که اکنون تنها پسر این زن بیمار است، نتواند برای تسویه با بیمارستان پول جور کند، فردا این رقم چقدر خواهد شد. هر شب مانند در بیمارستان مساوی ست با هزینه بیشتر....

درد ظریفه، درد مشترکی‌ست که بسیاری از کارگران با آن درگیرند. تعرفه‌های درمان اتباع خارجی خیلی بیشتر از خیلی بیشتر از ایرانی‌هاست. این گرانی، معضلی‌ست دردآور که می‌تواند آسیب‌های اجتماعی بسیاری به بار آورد.

اگر این مردمان، مردمانی مثل ظریفه نطفاتجی، در کشور زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و بخشی از چرخه اقتصاد را حتی در بخش غیررسمی می‌گردانند، چرا نباید زمان بیماری از خدمات درمانی حداقلی بهره‌مند باشند. یک زن نطفاتجی که هیچ‌ن‌دارد جز زور بازویی که در اثر کار مدام شستن و ساییدن و رفو کردن، تحلیل رفته، اگر دمی، لحظه‌ای، قلبش از حرکت ایستاد، چه باید بکند؟ باید مثل همیشه دست به دامن انجمن‌های مردم‌نهاد و تشکّل‌های مدنی شود؟ آیا کسی، مسئولیتی در قبال این آدم‌ها که در کوچه‌های پر پیچ‌وخم همین شهرها زندگی می‌کنند، ندارد؟

خود مسئولان و برنامه‌ریزان به گرانی هزینه‌های درمانی مهاجرین اذعان دارند. در بهمن ماه ۹۶، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از خیرین درخواست کرد بخشی از هزینه‌های درمان اتباع بیگانه را برعهده بگیرند تا از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود. همایون هاشمی در عین حال تصریح کرد وزارت بهداشت باید به «تکلیف انسانی» خود در قبال خدمات‌رسانی به اتباع خارجی عمل کند. اما به نظر می‌رسد گرانی تعرفه‌های درمان اتباع خارجی

درد ظریفه، درد

مشترکی‌ست که بسیاری از کارگران با آن درگیرند. تعرفه‌های درمان اتباع خارجی خیلی بیشتر از ایرانی‌هاست. این گرانی، معضلی‌ست دردآور که می‌تواند آسیب‌های اجتماعی بسیاری به بار آورد

و مشکلات ناشی از آن، هیچ راه‌حل روشنی ندارد. نهادها هم به «تکلیف انسانی» خود در قبال ظریفه قرار نیست عمل کنند! به گفته علی‌اکبر اسماعیل‌پور، مدیر مرکز توانمندسازی دروازه‌غار که پرونده ظریفه را از نزدیک دنبال می‌کند، می‌گوید تعرفه‌های گران درمان برای تورست‌های خارجی جواب می‌دهد اما نه برای کارگران کم‌درآمد افغانستانی.

این فعال مدنی می‌افزاید: شاید یک آلمانی یا فرانسوی که با ارز خارجی برای گردشگری به ایران آمده، بتواند به راحتی تعرفه‌های چندبرابری درمان را بپردازد اما یک کارگر خدماتی زن که بیمه ندارد و دستمزدش نصف حداقل حقوق وزارت کار است، چطور می‌تواند تعرفه‌های چندبرابری درمان را تحمل کند؟

اسماعیل‌پور از تلاش برای جمع‌آوری پول برای خانواده ظریفه می‌گوید اما تأکید دارد که وظیفه مسئولان است که به موارد این چنینی رسیدگی کنند. نباید بگذارند یک زن بی‌پناه در بیمارستان بماند؛ آن‌هم گروگان ۱۵ میلیون تومان پول! ظریفه در چندمین روز بعد از عمل دشوار قلب باز، روی تخت بیمارستان، نگران و مضطرب است. قلب بند زده و پر از دردش، به دشواری می‌تپد. قلبش نگران شرم‌های فرزند ۱۸ ساله‌ای است که از این اتاق، به آن اتاق، از این موسسه به آن ارگان، در به‌در ترخیص مادر است؛ همان ظریفه‌ای که روزی مثل یک کوه قوی بود اما امروز می‌گوید: «خیلی خسته‌ام، می‌خوام بمیرم ... دیگه هیچ چی ندارم، نمی‌دونم چه خاکی به سرم بریزم...».



دستمزد را می‌بینیم که از رشد نرخ تورم بیشتر است. دولت تلاش کرده تا نابرابری‌ها را کاهش دهد اما در سال ۹۶ رشد تورم بیشتر از رشد اسمی حداقل دستمزد بوده است. اینها نشان می‌دهد در مورد دستمزد برای سسال آتی باید دقت و یژه‌ای صورت بگیرد.

وی تصریح کرد: دولت برای افزایش اشتغال باید شرایط امن برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند. توزیع منابع اشتغال روستایی از جمله کارهای اخیر دولت در این زمینه بود.

راستای مبارزه با فساد در حرکت هستیم. شریعتمداری افزود: کل واحدهای صنعتی ایران در شروع جنگ ۹۰۰ واحد بود و در این ۴۰ سال عظمتی خلق شده است و امروز حداقل ۹۰۰ شهرک صنعتی در کشور وجود دارد.

وی نقش خانه کارگر را نیز مورد اشاره قرار داد و گفت: کارگران پای انقلاب ایستاده‌اند و ما می‌دانیم که خانه کارگر با کارگران در ارتباط است و ارتباط نزدیکی با بدنه کارگری جامعه دارد.

وی افزود: از سال ۹۱ رشد اسمی حداقل

شریعتمداری افزود: کارفرماها باید بدانند برخی زبان‌های آنی ممکن است به دست بیاید اما سود آتی در پی خواهد داشت. باید توجه داشت در نظام اسلامی حتماً از نیروی کار محافظت کنیم.

از اصلاحات اساسی در تامین اجتماعی حمایت می‌کنم

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: اصلاحات اساسی برای کارگران آتی است که به کار وارد می‌شوند.

پایدار و صندوق برای نسل‌های آتی اهمیت دارد. بقیه مستمری‌گیران هم باید از صندوق‌ها استفاده کنند لذا اصلاحات اساسی را که برای پایداری صندوق تأمین اجتماعی است، تأیید می‌کنم. باید تجربیات دنیا را در این حوزه ببینیم.

وی افزود: همه توان خود را به کار گرفتیم که جامعه کارگری صدمه نبیند. مالکیت خصوصی محترم است و در عین حال باید با اقدامات فسادآمیز مبارزه کنیم و ماحتماد